

طراحی دوره‌های آموزشی دانشگاهی نسخ خطی



حاضران

استاد عبدالله انوار:
نسخه‌پژوه؛



حجت‌الاسلام دکتر
سیدجعفر اشکوری:
محقق و فهرست‌نگار؛



فریبا افکاری:

دانشجوی دکتری علوم
کتابداری و اطلاع‌رسانی و
کارشناس کتابخانه مرکز
دانشگاه تهران؛



دکتر حبیب‌الله عظیمی:

عضو هیأت علمی و معاون
سازمان اسناد و کتابخانه ملی و
دبیر جلسه؛



اهمیت نسخه‌های خطی به‌عنوان هویت میراث فرهنگی کشور، برکسی پوشیده نیست، و هر روز شاهد توجه بیشتر مراکز علمی، پژوهشی و کتابخانه‌ها به این آثار ارزشمند هستیم. بررسی متخصصان و نسخه‌پژوهان نشان می‌دهد از حدود سیصد هزار نسخه خطی موجود در ایران، تنها نیمی از آنها فهرست‌نگاری و برای استفاده کارشناسان و نسخه‌پژوهان آماده شده است. اهمیت نسخه‌های خطی از یک‌سو و کمبود نیروهای کارآموزده نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری از سوی دیگر سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی را به فکر طراحی دوره‌های آموزشی دانشگاهی ترغیب کرده است. با توجه به اهمیت موضوع، جلسه‌ای با حضور متخصصان، کارشناسان و اساتید نسخه‌های خطی ترتیب داده‌ایم که در ادامه، نظرات آنها را می‌خوانید. این جلسه با همکاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی برگزار شده است.



عظیمی: ما ایرانیان
و کسانی که در حوزه
نسخه‌های خطی
کار کرده‌ایم، رسالت
عظیمی در جهت تربیت
فهرست‌نگار و اعزام
آنها به این کشورها
برای فهرست‌نویسی
نسخه‌های خطی
فارسی داریم

عظیمی: اهمیت نسخه‌های خطی به‌عنوان هویت میراث فرهنگی کشور، برکسی پوشیده نیست و هر قدر پیش می‌رویم مراکز علمی - پژوهشی و کتابخانه‌های بزرگ و معتبر تعداد بیشتری از این آثار را در خوی جای می‌دهند. انتظار داریم کتاب‌های خطی بیشتری از خانه‌ها و از میان مجموعه‌داران خصوصی، جمع‌آوری و به مراکز معتبر علمی منتقل و ساماندهی شوند. حدود سی‌صد هزار کتاب خطی در ایران موجود است. اگر با یک بررسی اولیه قبول کنیم که پنجاه درصد نسخه‌های خطی فهرست‌نویسی و ساماندهی شده‌اند و در دسترس محققان قرار گرفته‌اند؛ هنوز نیم دیگر آن - حدود صد و پنجاه هزار نسخه خطی - فهرست نشده است. اساتید ما باید فهرست‌نگاران جوانی را تربیت کنند تا این وظیفه مهم را برعهده بگیرند و در اینجاست که اهمیت نسخه‌های خطی، آموزش فهرست‌نویسی و ساماندهی آن معلوم می‌شود. اگر به کشورهای ترکیه، هند، پاکستان و آسیای میانه، که حجم زیادی نسخه خطی فارسی فهرست‌نشده دارند، بنگریم، در این کشورها کمتر کسی به زبان فارسی آشنایی دارد و می‌تواند آنها را فهرست کند. ما ایرانیان و کسانی که در حوزه نسخه‌های خطی کار کرده‌ایم، رسالت عظیمی در جهت تربیت فهرست‌نگار و اعزام آنها به این کشورها برای فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی فارسی داریم. نیمی از نسخه‌های خطی موجود به زبان فارسی و نزدیک به نیمی از آنها به زبان‌های عربی، ترکی، اردو و زبان‌های دیگر است. پس رسالت مراکز معتبر علمی - پژوهشی و همچنین کتابخانه‌های معتبر حاوی نسخه‌های خطی، در وهله اول تربیت فهرست‌نگار برای ساماندهی و فهرست‌نویسی نسخه‌های داخل کشور و دوم فهرست‌نویسی نسخه‌های خارج از کشور است.

اگر فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی و تربیت شاگردان این حوزه را بررسی کنیم، دو شیوه قابل مشاهده است: یکی شیوه تربیت سنتی فهرست‌نگاری و شیوه استاد - شاگردی است و دیگری تربیت آکادمیک و دانشگاهی است که در واقع طراحی یک دوره آموزشی دانشگاهی برای فهرست‌نویسی و ساماندهی نسخه‌های خطی و پیش‌بینی سرفصل‌های آموزشی خاص را شامل می‌شود. برای نمونه کسی با مدرک کارشناسی تاریخ، کتابداری، الهیات، ادبیات فارسی و یا عربی وارد مقطع کارشناسی ارشد این رشته می‌شود و پس از فراغت از تحصیل، به فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی مبادرت می‌ورزد. با این مقدمه، از استادانوار که سالیان سال در زمینه نسخه‌های خطی و فهرست‌نویسی این آثار فعالیت کرده‌اند و تلاش‌های زیادی در کتابخانه ملی ایران و انجمن مفاخر در این حوزه دارند درخواست می‌کنم، دیدگاه خود را در زمینه تربیت فهرست‌نگار نسخه‌های خطی بیان فرمایند.

انوار: اولین چیزی که می‌خواهم به نسل جوان یادآور شوم، مسئله اهمیت نسخه‌های خطی است، چه سال‌های پیش که در کتابخانه ملی کار می‌کردم و با نسل جوان در تماس بودم، مشاهده می‌کردم که آنها دید بسیار نامناسبی به



افکاری:
استاد دانش پژوه تأکید
ویژه‌ای بر آموزش
زبان‌های خارجی از
جمله ایتالیایی، روسی،
فرانسه، آلمانی و ترکی
استانبولی داشتند. هر
دانشجو موظف بود هر
زبان را در چهار واحد
بیاموزد

نسخه خطی داشتند و معتقد بودند که نسخه‌های خطی درباره مطالبی بحث می‌کنند که زمان آنها سپری شده است. در حالی که این مسئله واقعیت ندارد، در حال حاضر در دوره دکتری دانشگاه صنعتی شریف از من خواسته شده درباره هندسه بوعلی سینا درسی را برعهده بگیرم. من این درس را با کتاب هندسه فارسی بوعلی که از متممات دانشنامه علائی اوست و ابوعبید جوزجانی آن را ارائه کرده است، شروع کرده‌ام.

ابوعبید یکی از شاگردان بوعلی است و در این کتاب سیستم استدلالی را که منتسب به بوعلی است، عرضه می‌کند که به نظر بنده همان سیستم است که امروز هوسرل به نام پدیدارشناسی آن را عرضه می‌کند. او که از فلاسفه بزرگ معاصر است، می‌گوید که فلسفه در تبیین پدیدارها گرفتار بحث‌های زیادی شده است که به هیچ وجه مبین پدیدارها نیستند و ما برای تبیین باید بازگشت به خود پدیدارها کنیم و دوباره آنها را بشناسیم. در واقع پدیدارشناسی او شناخت جدیدی از پدیدارهاست. وی، بدون توجه به بحث‌های گذشته، در اینجا معتقد است که خود او نخستین کس در ارائه این نظریه است و فلسفه آلمان هم این قول او را تأیید می‌کند. در حالی که در هزار سال قبل از او همین کار را بوعلی سینا در هندسه اقلیدس کرده، یعنی بوعلی با بازگشت به شناخت اشکال هندسی به نوعی استدلال رسیده است که به هیچ وجه استدلال اقلیدسی نیست.

پس با این ترتیب بهتر است که نگاه جدیدی به نسخه‌های خطی داشته باشیم، چه در این نسخه‌ها چیزهایی یافت می‌شود که جزء شاهکارهای ذهن بشری است. همان طور که دکتر عظیمی فرمودند، نسخه‌های خطی ضمن نگهداری و ساماندهی باید در اختیار علاقه‌مندان قرارگیرد و برای این کار لازم است که هر نسخه از طریق فهرست با علم اجمالی معرفی شود.

حدود ۵۰ سال پیش که به بخش خطی کتابخانه ملی رفتم، حدود هشت هزار نسخه خطی در کتابخانه وجود داشت. در این شماره‌گذاری کتاب‌های شیخ احمد احسائی که حدود پنجاه رساله و کتاب می‌شد، در یک مجلد آمده بود و به صورت یک نسخه شماره خورده بود که اگر رساله‌ها و کتاب‌های یک مجموعه که برای هر یک از آنها یک برگه نوشته می‌شد، به حساب آید، تعداد برگه‌های فهرست بالغ بر ۲۵ هزار برگه می‌شد. در آن روزها آقای ایرج افشار رئیس کتابخانه شدند و از من خواستند که به فهرست کردن این نسخ پردازم. من به ایشان گفتم که حاضریم، ولی با چه ملاک و روشی این کار را انجام دهم. چه در آن ایام دو یا سه فهرست نسخه خطی وجود داشت. یکی به کتابخانه مسجد سپهسالار متعلق بود و دیگری به کتابخانه مجلس شورای ملی تعلق داشت که هیچ یک براساس یک نظام مشخص فهرست نشده بودند.

آقای افشار گفتند که این حرف صحیح است و برای این کار باید یک سیستمی پایه‌گذاری کنیم و برحسب آن نسخ را معرفی کنیم. لذا برای این کار از مرحوم مجتبی مینوی که از کتاب‌شناسان برجسته بود، برای ریاست کمیسیونی برای تدوین کارت برگه نسخه خطی دعوت کردند و در آن کمیسیون مرحوم زریاب خوبی، کتابدار و کتاب‌شناس برجسته که از فضایی کشور نیز بودند، با مرحوم دانش پژوه که به نظر من پدر فهرست نسخ در ایران هستند، با ایرج افشار و بنده حضور داشتیم و مقرر شد که هر یک از ما در جلسه آینده کمیسیون آنچه به ذهنمان برای معرفی نسخ خطی می‌رسد، به روی کاغذ آوریم و در جلساتی که تشکیل می‌شود، آن مطالب را مطرح کنیم و هر مطلبی که تصویب شد، به صورت ماده‌ای در برگه فهرست بیاوریم و مقابل آن ماده در برگه از ویژگی‌های نسخه مطلب درج کنیم.



**انوار: بهتر است که نگاه
جدیدی به نسخه‌های
خطی داشته باشیم،
چه در این نسخه‌ها
چیزهایی یافت می‌شود
که جزء شاهکارهای
ذهن بشری است**

برگه‌ها دو رو (دو طرف) داشت. در یک طرف ویژگی‌های نسخه می‌آمد و در طرف دیگر ویژگی‌های علمی که نسخه ارائه می‌کرد، ذکر می‌شد. بدین ترتیب هر برگه علم اجمالی درباره نسخه، چه از نظر نسخه و چه از نظر مطالب ارائه می‌داد. خوب به‌خاطر دارم، پس از آنکه با این برگه‌ها شروع به فهرست‌نگاری کردم، مرحوم مینوی چون برگه‌های فهرست‌شده را مطالعه می‌کردند، اصرار داشتند تا آنجا که امکان دارد، در قسمت معرفی مطالب کتاب توضیحات بیشتری بیاید تا کتاب بهتر برای علاقه‌مند به نسخه شناخته شود.

زمانی که ما فهرست‌نگاری را شروع کردیم، نه دانشکده‌ای وجود داشت و نه کسی بود تا با مراجعه به او، آن را به ما آموزش دهد. فهرست‌نگاری را با آن برگه‌ها آغاز کردیم و هرچه برگه بیشتر نوشتیم، بیشتر به فوت‌وفن این رشته آشنا تر شدیم.

فهرست‌نگاری نسخ خطی با فهرست‌نگاری کتاب‌های چاپی بسیار متفاوت است. در فهرست‌نگاری کتاب‌های چاپی فهرست‌نویس با پنج تا ده عنصر اطلاعاتی کتاب را می‌شناساند، ولی در نسخ خطی فهرست‌نگار با کتاب‌هایی سروکار دارد که فی‌المثل اسم آن مشخص نیست و باید از ابتدا تا انتهای آن را خواند تا شاید اسم آن پیدا شود و اگر نبود در فهرس دیگر جست‌وجو کند تا شاید اسم آن را بیابد و باز اگر نبود، به‌قول مرحوم مینوی باید آن را به‌وجهی توضیح دهد تا فهرست‌نگاری در آتیه اگر به چنین نسخه با نام دست یافت، نام نسخه را بعدها معلوم گرداند. درست کار یک فهرست‌نگار مثل کاری است که یک فیزیک‌دان یا شیمی‌دان در لابراتوار خود با شیئی که به او می‌دهند، می‌کند و آن شیء را شناسایی می‌نماید.

در پایان عرایضم به نسل جوان فهرست‌نگار نسخ خطی پیشنهاد می‌کنم که در فهرست‌جنگ‌ها بسیار دقت کنند و در فهرست هر مطلب تازه آن را با ذکر صفحه جنگ ثبت کنند.

عظیمی: از استاد تشکر می‌کنم، ایشان پیشینه فهرست‌نویسی را مطرح کردند و به شروع آموزش فهرست‌نویسی و تدوین کاربرگه‌هایی که مبنایی برای آموزش فهرست‌نویسی نسخ خطی شد، اشاره کردند. استاد به شیوه آموزش سنتی (استاد و شاگردی) و ویژگی‌های فهرست‌نویس نسخ خطی اشاره کردند. چند سال پیش یک دوره کارشناسی ارشد نسخ خطی در دانشگاه تهران تأسیس شد. در ادامه از سرکار خانم فریبا افکاری خواهش می‌کنم درباره آموزش فهرست‌نگاری نسخ خطی در دانشگاه و موفقیت و عوامل موفقیت این دوره‌ها صحبت بفرمایند.

افکاری: بسم‌الله الرحمن الرحیم. در ابتدا اجازه می‌خواهم پیش از پاسخ به سؤال، در ادامه فرمایشات استاد انوار، به‌سئوالی که برای کتابداران جوان مطرح است، اشاره کنم. چرا اساتید بزرگی مثل استاد انوار، استاد افشار، استاد حائری، استاد منزوی و دیگران که از فهرست‌نویسان و نسخه‌شناسان برجسته کشور هستند، فرصتی را برای تربیت شاگردانی که بتوانند فهرست‌نویسی را در کنار آنها بیاموزند، صرف نکردند. استاد انوار در ابتدای صحبت خود فرمودند، دل مشغولی اولیه فراوان در شناسایی نسخه‌های خطی و فهرست‌نگاری آنها و عدم توجه رؤسای کتابخانه‌های کشور به این نسخه‌ها باعث شد، برنامه‌ریزی مدونی برای فهرست‌نویسی و شناسایی نسخه‌های خطی وجود نداشته باشد و هنوز هم چنین برنامه‌ریزی موجود نیست. اما طرح پیشنهاد شده از سوی آقای دکتر عظیمی، در مورد بررسی و اجرایی‌شدن برنامه آموزش نسخه‌های خطی، چراغی را برای نسل جدید روشن می‌کند که راهگشا خواهد بود. در سال ۱۳۶۹ در دانشگاه تهران، استاد زنده یاد مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه اولین زنگ خطر را برای مسئولان فرهنگی دانشگاه و کشور به صدا درآوردند و آن هم عدم



اشکوری: و با توجه به حجم نسخه‌های خطی فهرست‌نشده و با توجه به سن بالای اساتید بزرگوار که توان سابق را ندارند، نیاز به تربیت نسل جدیدی از فهرست‌نگاران نسخ خطی را داریم

وجود نیروی انسانی لازم برای سرپرستی، فهرست‌نگاری و ساماندهی مجموعه عظیم نسخه‌های خطی دانشگاه تهران بود، چرا که شاگردی در کنار ایشان نبود تا بیاموزد و از دانش بیکران اساتیدی چون او استفاده کند. این زنگ خطر موجب شد که اولین دوره کارشناسی ارشد نسخ خطی و آثار کمیاب در دانشگاه تهران تأسیس شود. در آن زمان این برنامه با تصویب شورای امور استخدامی کشور اجرا شد و چهارده نفر فارغ‌التحصیل شدند که بسیاری از آنها امروز، در کتابخانه ملی مسئولیت مهم بخش نسخه‌های خطی را به عهده دارند و جای خوشبختی است که نتیجه آن کلاس‌ها راضی‌کننده بود. این دوره ۲۶ واحد پیش‌نیاز زبان داشت، استاد دانش‌پژوه تأکید ویژه‌ای بر آموزش زبان‌های خارجی از جمله ایتالیایی، روسی، فرانسه، آلمانی و ترکی استانبولی داشتند. هر دانشجو موظف بود هر زبان را در چهار واحد بیاموزد. شاید این سؤال برای حاضران پیش آید که چطور یک دانشجویی که با نسخه‌های خطی کار می‌کند نیاز به آموختن چهار زبان خارجی دارد. اهمیت استفاده از فهرست‌های خارجی که به سایر زبان‌ها نوشته شده، ضرورت ایجاد و برگزاری این دوره را به‌خصوص در حوزه زبان تأیید می‌کند. این دوره ۲۸ درس پایه و اختصاصی و ۴ واحد پایان‌نامه را شامل می‌شد، که پایان‌نامه‌ها در حوزه نسخه‌های خطی، فهرست‌نگاری و کتب چاپ سنگی به انجام رسید. دروس تخصصی نظیر کتابشناسی‌های اسلامی، فهرست‌نگاری عملی، فهرست‌نویسی نسخ خطی، مدیریت بخش نسخه‌های خطی، آشنایی با آثار کمیاب و چاپ سنگی و نظایر آن را شامل می‌شد. دانشجویان طی جلساتی از کتابخانه‌ها و مراکز نسخه‌های خطی بازدید داشتند، جلسات سخنرانی توسط استاد افشار، استاد حائری، محمدباقر حجتی، آنجلو پیه‌مونتس - رایزن فرهنگی وقت ایتالیا در ایران که تجربه فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی و اتیکان را به عهده داشتند - برگزار شد.

اگر بخواهم امتیازات آن دوره را مطرح کنم، شاید بد نباشد به چند نکته اشاره کنم، اول از همه آموزش زبان عربی نیاز به توجه بسیار ویژه دارد. دانشجوی این حوزه، برای استفاده از متون و منابع تخصصی، اگر با زبان عربی به حد کافی آشنایی نداشته باشد تقریباً نمی‌تواند کاری انجام دهد. با توجه به ترجمه نشدن بسیاری از فهارس و برای یافتن نسخه‌های دیگر از کتاب در کتابخانه‌های بزرگ دنیا، آشنایی با سایر زبان‌ها نیز از ملزومات اساسی این حوزه می‌باشد. از امتیازات دیگر این دوره تأکید بر آموزش عملی از سوی اساتید در کنار آموزش‌های نظری بود و مخزن دانشگاه تهران، منبع بسیار خوبی برای این کار بود. نظارت و حضور اساتید فن در کنار دانشجویان بسیار مفید بود و به اصلاح کارهای دانشجویان کمک می‌کرد.

دانشجویان این دوره با اصول و قوانین فهرست‌نویسی کتاب‌های چاپی نیز آشنا شدند، که با وجود اهمیت زیاد آن، در دوره‌های دیگر از آن غفلت می‌شود. با یادگیری فهرست‌نویسی کتاب‌های چاپی، امکان استفاده از مستند مشاهیر و مؤلفان و بسیاری از سرعنوان‌ها، برای به روز کردن بسیاری از فهارس فراهم می‌شود.

تجدید نظر در دوره‌های آموزشی، با توجه به نیاز روز و استفاده از توانایی‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات لازم به نظر می‌رسد. با استفاده از ابزارهای جدید و روش‌های پیشرفته اسکن کتاب و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی، امکان ارائه کتاب‌های بیشتر و سازگار با نیازهای مراجعه‌کنندگان و دانشجویان فراهم شده است و آموزش این ابزار و فناوری‌ها، این دوره‌ها را تکمیل‌تر می‌کند. نکته دیگر این‌که آموزش نسخه‌های خطی چه در کارگاه‌ها و چه در دانشگاه‌ها، بسیار زمان‌بر است و نکته مهم دیگر این‌که اگر تصمیم به برگزاری یک کارگاه، یک گرایش و یا یک دوره آموزشی داریم باید توجه داشته باشیم که مخاطب ما چه کسی است؟ با چه هدفی این دوره یا گرایش برگزار می‌شود؟ آیا قرار است فهرست‌نویس یا نسخه‌شناس یا کتابداری - که به‌طور خاص با مراجعه‌کننده نسخه خطی



**عظیمی: رسالت مراکز
معتبر علمی - پژوهشی
و همچنین کتابخانه‌های
معتبر حاوی نسخه‌های
خطی، در وهله اول
تربیت فهرست‌نگار
برای ساماندهی
و فهرست‌نویسی
نسخه‌های داخل کشور
و دوم فهرست‌نویسی
نسخه‌های خارج از
کشور است**

سروکار خواهد داشت و به او سرویس خواهد داد - تربیت کنیم. تمامی این سؤالات باعث می‌شود که آموزش‌های متفاوتی را به آنها ارائه دهیم.

من فکر می‌کنم مباحث بسیاری در حوزه نسخه‌های خطی و آموزش آن مطرح نشده است، زیرا ما استاد بسیار کم داریم و متن قابل تدریس نیز وجود ندارد و همه دانش در سینه اساتید بزرگوار جای دارد. علاوه بر آن خلأهایی هم وجود دارد، به عنوان نمونه هیچ گاه بر روی نسخه‌های مصور کاری نشده و نسخه‌شناسی‌های خاص انجام نشده است. آقای خانی‌پور و آقای عظیمی در کتابخانه ملی، فهرست قرآن‌ها را تدوین کرده‌اند. قرآن‌ها همه جا وجود دارند، اما فهرست قرآن‌ها به عنوان فهرستی خاص، نسخه‌شناسی را می‌طلبد و باید توصیف دقیق از تذهیب و کتاب‌آرایی صورت گیرد؛ که متأسفانه کمتر در فهرس ما به چشم می‌خورد. همه اینها نیازمند آموزش و همکاری یک گروه خاص است.

عظیمی: خیلی متشکرم. برخی مراکز مانند مرکز احیاء التراث قم، دوره‌های آموزشی برای ارتقاء توانایی و مهارت تعدادی از همکاران، طراحی و اجرای کردند؛ ما نیز در کتابخانه ملی نزدیک به پنج دوره آموزشی چهار ساعته را اجرا کردیم که تجربه‌های ارزنده‌ای داشت. از جناب حجت‌الاسلام دکتر اشکوری درخواست می‌شود، گزارشی از دوره آموزشی مرکز احیاء التراث قم ارائه فرمایند و نقاط قوت، ضعف و تجربیات مثبت خود را بفرمایند.

اشکوری: بسم‌الله الرحمن الرحیم. همانطور که استاد انوار اشاره فرمودند، کار نسخه‌های خطی کاری سخت و کتابداری نسخه‌های خطی و فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی هم حوزه‌ای کاملاً متفاوت است؛ و به نظر من تدریس نسخه‌های خطی هم، با تدریس سایر حوزه‌ها متفاوت است. حوزه نسخه‌های خطی، با آن پیشینه غرورانگیز ما ایرانیان، بسیار مظلوم واقع شده است. تلاش‌های خالصانه اساتید بزرگ - مثل مرحوم شیخ آقا بزرگ‌ها که با عشق و علاقه کار می‌کردند - برای ما جوان‌ترها درس بزرگی است. روزی نیست که ما نسخه و عنوان جدیدی را کشف نکنیم، و با توجه به حجم نسخه‌های خطی فهرست‌نشده و با توجه به سن بالای اساتید بزرگوار که توان سابق را ندارند، نیاز به تربیت نسل جدیدی از فهرست‌نگاران نسخ خطی را داریم. جناب انوار به جنگ‌ها اشاره کردند، فکر می‌کنم اگر یک دانشگاهی تاسیس شود که به صورت تخصصی روی آن‌ها کار کند باز هم کم است.

در حال حاضر ما چهار اثر مدون در زمینه آموزش نسخه‌های خطی نداریم، البته کارهای پراکنده‌ای انجام شده، اما کار منسجم بسیار کم است. فکر می‌کنم مهم‌ترین کاری که می‌توان در حوزه تدوین کتاب‌های مناسب دانشجویان انجام داد: اول مرحله‌ای کردن کتاب‌های درسی است، دوم خودآموز بودن کتاب‌ها و سوم محلی بودن آنها است. مرحله‌ای کردن یعنی ما باید به صورت فرامنطقه‌ای فکر کنیم، در ایران حدود یک میلیون نسخه خطی وجود دارد که قطعاً نیمی از آنها فهرست نشده است؛ ما چه تکلیفی در رابطه با آنها داریم، چند نفر توان معرفی نسخه‌ها را دارند. کتابخانه‌های بزرگی مثل کتابخانه ملی، کتابخانه مجلس، کتابخانه آستان قدس، کتابخانه مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی مشغول کار فهرست‌نویسی هستند؛ همه از سیر نسخه‌های خطی عقب هستند در حالی که مجموعه پویا بوده و دائم نسخه‌هایی به آنها اضافه می‌شود. ما نه تنها فهرست‌نگار، بلکه باید کاغذشناس، جلدشناس و جلدساز هم تربیت کنیم. امروزه چند نفر می‌توانند، جلد‌های این نسخه‌های خطی را بشناسند، چند نفر را داریم که اوراق را تشخیص دهند. ما چند نفر خط‌شناس و سندشناس داریم. ما کار نکرده‌ایم، افرادی هم که کار کرده‌اند، کارشان منسجم نشده است و این عدم انسجام سبب شده که ما کتاب نداشته باشیم.

در حال حاضر قابلیت وجود دارد، اساتید هستند و امکانات هم بسیار بهتر از گذشته وجود دارد، فقط تدوین لازم دارد که اگر مرحله‌ای باشد مفیدتر خواهد بود؛ حتی بنده عقیده دارم که باید فرهنگ‌سازی شود و نسخه‌های آموزشی درباره نسخه‌های خطی برای کودکان تهیه شود. اگر به کتاب‌های کودکان توجه کنید، با هزاران کتاب نقاشی برای کودک مواجه می‌شوید، اگر چند کتاب در قالب نسخه‌های خطی ارائه شده باشد، چه اشکالی دارد. اگر از تذهیب نسخه‌های خطی استفاده شود، این کار برای کودکان فرهنگ‌سازی می‌کند و کودک در بزرگسالی توجه بیشتری به نسخه‌های خطی پیدا می‌کند. به‌عنوان نمونه اگر پدر او خواست، نسخه خطی را دور بریزد به او می‌گوید این نسخه ارزش فراوانی دارد و بهتر است آن را به کتابخانه ملی اهدا کنیم. به نظر می‌رسد حداقل سه دوره آموزشی لازم است دوره مقدماتی، دوره متوسطه و دوره پیشرفته که در نهایت در دوره پیشرفته شخص بتواند، فهرست‌نگاری کند. نکته دوم خودآموز بودن است، باید احساس تشنگی را در مردم ایران ایجاد کرد چون بسیاری از مردم نمی‌دانند که نسخه‌های خطی چقدر اهمیت دارند، یکی از راه‌های قبول این مسئله طراحی دوره‌های آموزش است. با توجه به کمی تعداد اساتید و فراموشی‌های بودن نسخه‌های خطی (به‌خصوص نسخه‌های اسلامی)، کتاب‌های درسی باید به نحو خودآموز تهیه شوند تا امکان استفاده در مناطق مختلف جهان را داشته باشند. اگر در کنار این کتاب‌ها، اساتید هم حضور داشتند که چه بهتر و اگر هم نبودند اصول کلی آموزش نسخه‌های خطی اعم از فهرست‌نگاری و امور وابسته به آن در این کتاب‌ها آموزش داده شوند. نکته سوم، با وجود اینکه نسخه‌های خطی بسیاری در موزه‌ها و کتابخانه‌های بزرگ دنیا وجود دارد، هنوز بهترین و نفیس‌ترین نسخه‌ها در ایران هستند و من تأکید می‌کنم که تصاویر این کتاب‌ها، از کتابخانه‌های خود ما باشد، بسیاری از کتابخانه‌های سایر کشورهای دنیا از غنای کتابخانه‌های ایران در زمینه نسخه‌های خطی بی‌اطلاع هستند و این می‌تواند در شناساندن عقاید و فرهنگ ما به جهانیان موثر باشد.

در پایان باید عرض کنم که آموزش فقط کتابی نیست، کاش کتابخانه ملی بنه‌هایی را تهیه و برای استفاده دانشجویان در دانشگاه‌ها نصب نماید. بسیاری از دانشجویان درباره مراحل فهرست‌نگاری می‌پرسند؛ می‌توان این مراحل را در قالب یک نمودار تنظیم و در معرض دید دانشجویان قرار دهد.

عظیمی: معتقدیم که بهتر است تجارب اساتید بزرگوار چون استاد انوار و تجربیات مراکز مثل دانشگاه تهران، کتابخانه ملی و مرکز احیاء التراث را کنار هم بگذاریم و به مسئله جدی طراحی دوره آموزشی دانشگاهی، در دانشگاه‌ها بپردازیم. صحبت‌های اساتید مقدمه و پیش‌درآمدی بر طرح موضوع بود. انشاءالله در نشست‌های بعدی در کتابخانه ملی با حضور اساتید به یک طراحی منطقی، علمی و تجربی در زمینه آموزش دانشگاهی برسیم. مشکلی که در طراحی این دوره آموزشی داریم این است که می‌گوییم اگر یک دانشجوی لیسانس کتابداری بخواهد در این مقطع درس بخواند باید دوره‌های علوم اسلامی، زبان و ادبیات عربی، فارسی و تاریخ را فرا بگیرد. اگر لیسانس الهیات به دوره وارد شود باید دوره‌های علوم کتابداری زبان عربی سطح بالاتر را و اگر لیسانس تاریخ به دوره وارد شود باید علوم اسلامی و ادبیات عرب را فرا بگیرد. البته همه اینها دروس پیش‌نیاز و جدای از دروس تخصصی است. شخصی که نسخه خطی را فهرست‌نویسی می‌کند، باید دوره علوم اسلامی و حتی تاریخ علوم را بداند. زمانی که کتابی در موضوع فلسفه، که ابتدا و انتها ندارد به‌دستش می‌رسد باید از متن کتاب تشخیص دهد که آن مربوط به فلسفه قرن نُه است و اسامی اساتید فلسفه قرن نُه را بداند. آیا علامه دوانی یکی از آنها است؟ آیا این متن می‌تواند از نوشته‌های ایشان باشد؟ و حدس بزند کدام یک از آثار ایشان است و نهایتاً عنوان کتاب را کشف کند.

بنابراین زمانی که اساتید می‌فرمایند، فهرست‌نویسی نسخ خطی بسیار مشکل است و با فهرست‌نویسی کتاب‌های چاپی، که در رشته کتابداری فرا می‌گیرند تفاوت‌های اساسی دارد، این تفاوت‌ها به این پیش‌زمینه‌ها برمی‌گردد. در رشته کتابداری یک‌سری قواعد و ضوابط در اختیار دانشجو قرار می‌دهند و به او آموزش می‌دهند و دانشجو هر چه بیشتر ممارست کند، فهرست‌نگار بهتری خواهد شد. ولی در زمینه نسخه‌های خطی این‌گونه نیست و دانشجوی رشته نسخه‌های خطی باید، علوم، تاریخ هر علم، ادبیات عرب، ادبیات فارسی را بداند. استاد منزوی زمانی در کتابخانه ملی دو جلد کتاب فقهی شافعی را یک ماه تمام مطالعه کردند و سرنخ‌ها را یادداشت کرد و بعد به من گفتند که از حوصله من خارج است تا عنوان این کتاب را پیدا کنم، شما جوان‌تر هستید این سرنخ‌ها را کنار هم

عظیمی:
دانشجوی رشته
نسخه‌های خطی باید،
علوم، تاریخ هر علم،
ادبیات عرب، ادبیات
فارسی را بداند

بگذارید و عنوان کتاب را کشف کنید؛ بنده هم بعد از دو یا سه روز که آن اسامی و کلیدواژه‌ها را کنار هم گذاشتم به عنوان کتاب پی بردم. همان‌طور که اساتید می‌گویند کسی که فهرست‌نویسی می‌کند علاوه بر دانش، باید حوصله داشته باشد و وقت بگذارد و به محتوا بپردازد، و این ویژگی یکی از چالش‌های ما در طراحی دوره‌های آموزشی است. در واقع همه اینها پیش‌نیاز است و باید بعد از این پیش‌نیازها، دروس اساسی و تخصصی دوره طراحی شود. اساتید اگر صحبتی دارند بفرمایند، تا در انتها به سؤالات حاضران بپردازیم.

اشکوری: بخش عمده مشکلات آموزشی مربوط به پذیرش دانشجویان رشته‌های مختلف، با برگزاری کارگاه‌های آموزشی جبران می‌شود یعنی کارگاه‌های عملی، زیرا ۹۰ درصد فهرست‌نگاری عملی است. فهرست‌نگاران گذشته در مواردی، بعد از بیست سال به نکته‌ای قابل قبولی می‌رسیدند. چرا بعد از بیست سال؟ می‌توان با تولید و ارائه کتاب به دانشجویان جوان او را یک‌ساله آموزش داد، تا نوزده سال دیگر را به تحصیل علوم جدید بپردازد. بنابراین با برگزاری کارگاه‌های آموزشی عملی و تولید کتاب مناسب در کنار دوره‌های رسمی، می‌توان دانشجویی را تربیت کرد که از عهده فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی برآید.

اشکوری:
باید فرهنگ‌سازی
شود و نسخه‌های
آموزشی نسخه‌های
خطی برای کودکان
تهیه شود

افکاری: در ادامه فرمایشات جناب اشکوری، می‌خواستم از جنابعالی به‌عنوان معاون کتابخانه ملی و جناب آقای اشعری، ریاست محترم کتابخانه ملی، درخواست کنم، از آنجا که متولی نسخه‌های خطی کشور کتابخانه ملی است، در کنار همه دوره‌های بسیار باارزشی که تا کنون برگزار شده و انجمن کتابداری هم شرکت فعالی در آنها داشته، کارگاه‌های آموزشی نسخه‌های خطی نیز برگزار شود. نکته دیگر این‌که، با وجود توجه جدی به حوزه نسخه‌های خطی - که جای خرسندی است - این دلنگرانی وجود دارد که مبادا دوره‌هایی برگزار شود که در آنها آموزش نسخه‌های خطی سهل و ممتنع به‌نظر آید، اگر متولی مناسبی وجود نداشته باشد، بازاری شدن برخی دوره‌ها و علمی نبودن آنها خواهد شد و حتی موجب دلسردی برخی از شرکت‌کنندگان می‌شود.

عظیمی: جناب آقای اشعری، ریاست محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی هم اینجا حضور دارند و این قول را از ایشان می‌گیریم، خوشبختانه ایشان به حوزه نسخه‌های خطی بسیار عنایت دارند.

عظیمی: اگر حاضران جلسه، سؤالاتی دارند بفرمایند.

سؤال و جواب:

حافظیان: آیا کتابخانه ملی برنامه‌ای برای نگهداری آثار که با دست‌خط نویسندگان می‌باشد، دارد؟ برای نمونه اگر دست‌خط‌های محمود دولت‌آبادی از کتاب «کلیدر» را داشته باشیم، آیا کتابخانه ملی برنامه‌ای برای حفظ این دست‌خط‌ها دارد؟

انوار: بله، زمانی که من در کتابخانه ملی بودم چند مورد مراجعه کردند و ما نسخه‌های آنها را نگه داشتیم، که در شماره‌های آخر فهرست من موجود است.

عظیمی: دوستان توجه دارند که در کتابخانه‌ای مثل کتابخانه کنگره، دست‌خط رؤسای جمهور و بزرگان به‌عنوان سند نگهداری می‌شود. در چند سال گذشته، که جناب آقای اشعری حضور دارند با هم صحبت کردیم و مقرر شد، در مرحله اول به عنوان سند اساتید معاصر آنها را نگهداری کنیم و بعد از گذشت مدت زمانی از عنوان سند خارج می‌شود و به عنوان یک کتاب خطی نگهداری می‌شوند. از تشریف‌فرمایی همه اساتید، حزار و همچنین جناب آقای اشعری تشکر می‌کنیم.